

# هفتم

در هفتمین روز جنگ شورای امنیت قطعنامه‌ای برای حل و فصل فوری منازعه ایران و عراق صادر کرد، صدام حسین تقاضای آتش بس کرده بود

«عملیات جاری که از ساعت ۱۲ روز ۲۲ سپتامبر آغاز شده است. قادسیه صدام خوانده شود» قادسیه صدام، این اسمی است که صدام به خیال خودش عملیات کوتاه مدت و برق آسایش را با آن صدا می‌کند. از ساعت ۱۳ تا ۱۹ دوشنبه، ۳۱ شهریورماه فرودگاه‌های ۱۹ شهر ایران - از جمله تهران- هدف بمباران هواپیماهای عراق قرار می‌گیرند؛ شهرهای شمالی از پایگاه کرکوک، شهرهای میانی از کوت و بغداد و شهرهای جنوبی از پایگاه بصره. همزمان نیروی زمینی ارتش عراق عملیاتش را در سراسر مرز مشترک با ایران شروع کرده است. در تعاریف نظامی، وقتی سخن از عملیات محدود به میان می‌آید که یکی از اینها، یعنی اهداف، وسعت منطقه نبرد، تعداد نیروهای عمل‌کننده و زمان، محدود و معین باشد و عراقی‌ها می‌گویند این عملیات محدود است؛ ۱۲ لشکر، ۱۵ تیپ مستقل و چند گردان، هزار کیلومتر مرز و یک وزیر خارجه که می‌گوید: «اگر بتوانیم تهران را هم می‌گیریم» و همه ماجرا قرار است بین سه تا هفت روز طول بکشد. از همین حالا رسانه‌ها درباره این موضوع حرف می‌زنند که بهتر



روز هفتم جنگ است و عراقی‌ها از اهداف اولیه منصرف شده‌اند و حالا هرچه نیرو دارند بسیج می‌کنند بلکه خرمشهر و بعد آبادان را تصرف کنند

است ایران بعد از سرنگونی یکپارچه بماند یا آنکه تجزیه شود و دیگر اینکه آیا صدام بنا این پیروزی آسان و به دست آوردن امتیاز ژاندارمی منطقه، رعایت منافع و مصالح آنها را خواهد کرد یا نه. همه چیز ظاهرا معلوم است.

### همه در جنگ

داخل عراق خبرهایی هست، سربازها کمتر از آن مطلعند، اما فرمانده‌ها بی‌اطلاع نیستند. نیروی هوایی ایران، فارغ از درگیری زمینی، با بمباران مراکز تسلیحاتی و صنعتی در عمق خاک عراق، آسمان آنها را بریده است؛ یک زمین سوخته در پشت سر. عراقی‌ها می‌گویند طی این چند روز نزدیک ۱۵۰ هواپیمای ایرانی را زده‌اند. خبرگزاری‌ها با تردید خبر را پخش می‌کنند. چند روز بعد، کارگران مجروح انگلیسی شاغل در پتروشیمی بصره که از عراق گریخته‌اند، خبرهای واقعی‌تر را به خبرگزاری‌های غربی می‌رسانند. نبرد درون شهرهای ایران به سختی جریان دارد. افسر عراقی می‌گوید: «ایرانی‌ها خوب می‌دانند چه وقت حمله را تمام کنند. آنها برای کشته شدن می‌جنگند». نیروی

می‌گوید: «جنگ حداکثر طی ده روز پایان خواهد یافت». بنی صدر می‌گوید: «اگر منظور عراقی‌ها قراداد ۱۹۷۵ باشد، با مذاکره قابل حل است». کارتر امیدوار است جنگ، ایرانی‌ها را سر عقل آورده باشد تا به قوانین و مقررات بین‌المللی گردن‌بگذارند و گروگان‌های آمریکایی را آزاد کنند اما امام (ره) همان جمله معروف را تکرار می‌کند: «الخیر فی ماوقع».

رضامرزبان

هوایی هر چه را که آن پایین روی زمین اتفاق افتاده، جبران می‌کند. نیروهای مردمی گیلانغرب از روبه‌رو با عراقی‌ها درگیرند و عقبه مهاجمان را هم هواپیماهای خودی درو می‌کنند. عراقی‌ها زمینگیر می‌شوند و شهر از سقوط نجات پیدا می‌کند. حالا دیگر نه عراقی‌ها قوت پیش روی دارند و نه ایرانی‌ها توان پس گرفتن مناطق اشغالی را؛ یک جنگ سرد و ساکت بین توپخانه‌های دو طرف در سرتاسر مرز. روز هفتم جنگ است و عراقی‌ها از اهداف اولیه منصرف شده‌اند و حالا هرچه نیرو دارند بسیج می‌کنند بلکه خرمشهر و بعد آبادان را تصرف کنند. آنها یک لشکر به مهاجمان خرمشهر اضافه می‌کنند. تیپ‌های احتیاط هم احتیاط را کنار گذاشته و وارد عمل شده‌اند. حتی اگر شده سوستنگرد را بدهند و خرمشهر را بگیرند، باید این کار عملی شود.

### روز هفتم

کورت والدهایم روز اول جنگ می‌گفت شورای امنیت باید تشکیل جلسه اضطراری بدهد و هیچ‌کس به او اعتنا نمی‌کرد. تنها بیانیته‌ای صادر شد که از «برخورد پیش آمده» اظهار نگرانی می‌کرد و تمام نماینده عراق

در سازمان ملل می‌گفت وزیر خارجه عراق آنجا نیست و تا او نباشد، نباید جلسه‌ای تشکیل شود اما حالا در هفتمین روز جنگ، شورای امنیت تشکیل جلسه داده، قطعنامه صادر کرده و در آن خواستار حل و فصل فوری منازعه ایران و عراق شده است. صدام حسین تقاضای آتش بس کرده است. او گمان نمی‌کرده ایرانی‌ها ماجرا را این‌قدر جدی بگیرند. هیات‌هایی از کوپا، سازمان کنفرانس اسلامی، لیبی و چند جای دیگر برای وساطت به منطقه اعزام شده‌اند. اما از نظر ایرانی‌ها آتش بس فقط وقتی معنا دارد که عراق بدون هیچ قید و شرطی پایش را از مناطق اشغالی بیرون بگذارد. آنها تازه جنگیدن را یاد گرفته‌اند. سعدون حمادی- همان کسی که پیش از این می‌گفت «اگر بتوانیم تهران را هم می‌گیریم» می‌گوید «باید پذیرفت قراداد ۱۹۷۵ منصفانه نیست» و صدام هم حالا دیگر درباره خوزستان حرف چندانی ندارد.

از آن طرف آمریکایی‌ها برخلاف روزهای اول به صراحت ایجاد رابطه با ایران افتاده‌اند. آنها خوب می‌دانند لوازم یدکی سلاح‌های ایران متکی به آنهاست و حالا در شرایطی که خودشان ایران را تحریم کرده‌اند، خبر می‌رسد که ژاپن و کره جنوبی سرگرم تحویل قطعات یدکی به ایران، خصوصا نیروی هوایی آن هستند.

ادموند ماسکی- وزیر امور خارجه آمریکا- چند روز بعد به نخست وزیر ایران پیغام می‌دهد که «درک موضوع آمریکا توسط ایران برای ما مهم است» و بعد می‌گوید: «آمریکا هرگز کوچک‌ترین قصدی برای اشغال ایران نداشته و ندارد و ما آماده‌ایم با ایران پیرامون مناسبات دو کشور بر هر پایه و اساسی که باشد گفت‌وگو کنیم». همسایه شمالی ایران یعنی شوروی- هم در برزخ افتاده است. عراق به تذکر او درباره عدم مشروعیت تجاوز به زمین یک کشور، کوچک‌ترین اعتنایی ندارد. آنها نه ماه پیش به چشم خود دیده‌اند که همین ناصح امروز چطور یک‌شبه افغانستان را بدون مشورت با کسی اشغال کرد و

حالا بر ژنرال از یک طرف در قید وفاداری به پیمان اتحاد و دوستی ۱۵ ساله با عراقی‌هاست که او را موظف به تامین سلاح آنها می‌کند و از طرف دیگر نمی‌تواند شاهد آن باشد که یک کشور تازه انقلاب کرده درست پیش چشمش برای تامین یک مشت سلاح به دامن رقیب کهنه کار پناه ببرد.

در داخل ایران، اختلاف میان دو جبهه بنی صدر و مخالفان او کم‌کم به اوج می‌رسد؛ اختلافی که بیشتر سیاسی به نظر می‌رسد تا نظامی. بنی صدر ظاهرا به هیچ قیمتی حاضر نیست قبول کند که ارتش از هم پاشیده بعد از انقلاب به تنهایی توانایی اداره امور جنگ را ندارد. این ماجرا برای او آن‌قدر حیاتی است که کمی بعد، یکی از فرمانده‌های ارتش - سرهنگ صیاد شیرازی- را به دلیل اختلافاتی از همین قبیل از ارتش اخراج می‌کند. ناظران خارجی هم بدشان نمی‌آید هر از گاهی به آتش این درگیری‌ها دامن بزنند. یک روزنامه آمریکایی می‌نویسد «تصمیم پاسداران انقلاب به ادامه جنگ تا حد جان دادن، عامل بازدارنده مهمی بوده است» و بنی صدر در مصاحبه با یک روزنامه دیگر در جواب می‌گوید: «این ارتش است که دلیرانه در برابر عراق از وطن خود دفاع می‌کند، نه



نیروهای آمریکایی در طبرس شب سختی را پشت سر گذاشتند

پاسداران». آمریکایی‌ها به شدت به دنبال بهبود روابط در تنگنای موجود اوضاع ایران و کسب یک امتیازند؛ آزادی گروگان‌ها. حالا دیگر عراق هم متوجه شده است که آمریکا می‌خواهد از اهرم فشار آنها برای جذب دوباره ایران استفاده کند. کم‌کم صدای اعتراض طارق عزیز بلند می‌شود. شوروی هم تحویل سلاح به عراق را تا اطلاع ثانوی به تعویق انداخته است. عراقی‌ها حالا متکی به فرانسه‌اند و بقیه منتظرند تا بر اساس آنچه در آینده اتفاق می‌افتد، مناسبات دیپلماتیک خود را تنظیم کنند. چند روز دیگر هم می‌گذرد و ایران به تقاضای آتش بس جواب رد می‌دهد چون عراق حاضر نیست از مناطق اشغالی عقب‌نشینی کند. عراقی‌ها هم با دیدن اوضاع داخلی ایران می‌دانند ایرانی‌ها توان پس گرفتن مناطق اشغالی را ندارند و از این به بعد سعی می‌کنند با محکم کردن جای پای خود در مناطق اشغالی، ایران را وادار به پذیرش صلح کنند. ایران به آمریکایی‌ها هم جواب رد می‌دهد و خیال شوروی‌ها راحت می‌شود تا به آسانی تامین تسلیحات عراق را تضمین کنند؛ هرچند صدام آن وقت بهتر از هر کسی می‌داند که بازی محدود و برق آسایش به این زودی‌ها تمام نخواهد شد.

ماسکی، وزیر امور خارجه آمریکا، چند روز بعد به نخست وزیر ایران پیغام می‌دهد که «درک موضوع آمریکا توسط ایران برای ما مهم است»



## جنگ در هور

۲۷/۸/۷۲ عملیات والفجر ۱. حمله عراق به جاهای نفتی اردشیر به تلاقی شروع عملیات.

۲۹/۴/۷۲ عملیات والفجر ۲.

۷/۵/۷۲ عملیات والفجر ۳.

۲۷/۷/۷۲ عملیات والفجر ۴. کنترل شهر پنجوین عراق.

۲۷/۱۱/۷۲ عملیات والفجر ۵ آزادی ۱۱۰ کیلومتر مربع از خاک عراق و تسلط بر جاده طیب - بدره عراق

۲۱/۱۱/۷۲ عملیات تحریرالقدس. آزادی ارتفاعات مشرف بر شهر و سند در بندرخان عراق. تسلط بر جاده

۲۷/۸/۷۲ عملیات والفجر مقدماتی. آزادی پاسگاه‌های ایرانی سوسله، صفیه، رشیدی، طلوسوسیه و تصرف پاسگاه‌های عراقی وهب و کرامه.

۲۷/۸/۷۲ کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، هیاتی را برای مذاکرات صلح به ایران فرستادند.

۲۱/۸/۷۲ عملیات محترم. تأمین امنیت شهرهای موسیان، دهلران و پادگان عین‌خوش.

قصر شیرین - سرپل ذهاب.

۲۷/۷/۷۲ عملیات مسلمین عقیل آزادی ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک ایران و ارتفاعات مشرف به شهر مندلی عراق.

بزرگی برای پیش‌روی ایران شد. عراق در این عملیات برای اولین بار به‌طور محدود از بمب‌های شیمیایی استفاده کرد.

۲۷/۵/۷۲ عملیات ثابله. آزادی ارتفاعات مشرف به قصرشیرین. تأمین امنیت جاده

عملیات برون‌مرزی ایران در منطقه شرق بصره. عراق با کمک متخصصان فرانسوی و طراحان نظامی رژیم صهیونیستی، خاک‌ریزهای مثلی، نوئی و ب شکل را ساخته بود. کانال پرورش ماهی به طول سی و عرض یک کیلومتر نیز بعدها مانع

۲۷/۴/۷۲ صدور قطع‌نامه ۴۷۹ شورای امنیت سازمان ملل درباره جنگ ایران و عراق مبنی بر تقاضای آتش بس سریع.

۲۷/۴/۷۲ عملیات رمضان؛ اولین

ضیاءالحق به همراه حبیبشلی و عرفات، فقط یکی از هیات‌های صلح بودند

